اتحادیه اروپایی، تردید و ابهام در ادامه راه

یاسری، علی

سال گذشته با افزایش تعداد کشورهای عضو اتحادیه‏ اروپایی( EU )به 25 کشور و تبدیل این اتحادیه به یک‏ بازار مشترک چند صد میلیون نفری با قدرت خرید بالا، بسیاری از ناظران و صاحب‏نظران در آستانه این‏ یکپارچگی و وحدت اقتصادی،ظهور این ابر قدرت‏ اقتصادی را به فال نیک گرفته،اروپا را قدرتی رقیب و بازدارنده در برابر آمریکا قلمداد کردند.

کاهش شدید ارزش دلار در برابر یورو-پول مشترک‏ اروپایی-به این باورها شدت بخشید.بسیاری از کشورها در سراسر جهان نیز ترکیب ذخایر ارزی خود را به نفع یورو تغییر و سهم این ارز را در مجموعه ذخایر خود افزایش دادند.ولی به سبب وقایعی که از مدتی‏ پیش آغاز شده این زمینه فراهم آمد تا مردم در دو کشور فرانسه و هلند به قانون اساسی پیشنهادی اروپا پاسخ‏ منفی دهند.

از سوی دیگر نتایج برخی نظرسنجی‏ها در سایر کشورهای عضو اتحادیه از نظرات منفی آن‏ها درباره‏ اوضاع کنونی اروپا حکایت دارد.این امر نگرانی‏های‏ بسیاری را موجب شده است.در عین حال کاهش اخیر ارزش یورو در بازارهای ارزی،اعتماد و اطمینان را به‏ پول مشترک اروپایی دچار خدشه و تردید کرده است.

اکنون بسیاری از صاحب‏نظران و کارشناسان فعال در اروپا و خارج از اروپا در شناسایی و تشخیص مسیر بعدی پیشرفت اتحادیه اروپایی دچار تردید و ابهام‏ هستند.

عوامل تاثیرگذار بر تغییر و تحول کنونی

بی‏شک یک عامل عمده تأثیرگذار بر تغییر و تحولات‏ کنونی،عملکرد اقتصادی ضعیف بزرگترین کشور اتحادیه اروپایی یعنی آلمان و همچنین ایتالیا است. تولیدات در این دو کشور در سه ماهه آخر سال میلادی‏ گذشته عملا کاهش یافت و برنامه اصلاحات اقتصادی‏ دولت سوسیال دمکرات آلمان و دولت برلوسکونی در ایتالیا با مقاومت‏های زیادی روبرو شده است.نرخ‏ بیکاری 10 درصدی در آلمان و نیز فرانسه،یعنی دومین‏ کشور قدرتمند اروپایی،نارضایتی‏های بسیاری را نسبت به ادامه برنامه‏های اقتصادی کنونی در این‏ دو کشور اروپایی سبب شده است.در واقع بسیاری از مردم اروپا علت نابسامانی‏های اقتصادی را تقلید از کشورهای آنگلوساکسون و تحمیل الگوی اقتصاد بازار و دور شدن از برنامه‏های رفاهی و تأمین اجتماعی اروپا می‏دانند.

در عین حال دولت‏های آلمان،فرانسه و ایتالیا برعکس‏ معتقدند که تنها با محدود کردن برنامه‏های رفاهی و تأمین اجتماعی،که به زعم آن‏ها باعث کاهش بهره‏وری‏ و کم کاری بسیاری از کارگران شده،می‏توان تولیدات‏ را افزایش داد و اشتغال کامل ایجاد کرد.افزایش بهای‏ نفت خام در بازارهای بین المللی نیز اقتصاد کشورهای‏ اروپایی را که بجز انگلیس و نروژ همگی واردکننده نفت‏ خام هستند،تحت فشارهای مضاعف قرار داده است. البته بیشتر کشورهای اروپایی اکنون اقتصادشان را با بهای‏ کنونی نفت تطبیق داده‏اند و از این لحاظ در معرض‏ فشارهای اقتصادی نیستند.

افزایش شدید ارزش یورو طی دو سال گذشته، صادرات کشورهای اروپایی را تحت تأثیرات منفی قرار داده و خصوصا به اقتصاد آلمان که کاملا متکی به‏ درآمدهای صادراتی است فشارهای زیادی وارد کرده است.یورو که تولد خود را با نرخ 17/1 دلار چند سال پیش شاهد بود پس از مدتی با کاهش شدید در برابر دلار روبرو شد به طوری که دو سال پیش ارزش هر یورو به حد 85 سنت هم تنزل کرد.البته پس از آن سیر افزایشی پیمود و تا حد 35/1 دلار هم بالا رفت،لیکن به‏ تازگی(10 ژوئن 2005)ارزش آن بار دیگر تا حد 21/1 دلار بسیاری از صاحبنظران و کارشناسان فعال‏ در اروپا و خارج از اروپا در شناسایی و تشخیص مسیر بعدی پیشرفت اتحادیه‏ اروپایی دچار تردید و ابهام هستند تنزل یافت.این تنزل اخیر را بسیاری از صادرکنندگان‏ اروپایی به فال نیک گرفته‏اند و همان حد آغازین،یعنی‏ 17/1 دلار را،بهترین و تعادلی‏ترین نرخ برای یورو می‏دانند.ولی فعالان بازارهای ارزی که همواره مترصد استفاده از تغییرات جزیی نرخ‏های بهره در آمریکا و اروپا هستند نگرانی‏های صادرکنندگان اروپایی را در نظر نمی‏گیرند.

نکته مهم در این ارتباط عدم دخالت فعال بانک‏های‏ مرکزی کشورهای عمده جهان در بازارهای ارزی در جهت تثبیت نرخ‏های ارز است که نشان می‏دهد از یک‏ نظام شناوری آزاد پیروی می‏کنند.

نرخ بهره در کشورهای اتحادیه اروپایی اکنون در حد 2 درصد در سال تثبیت شده است و بانک مرکزی اروپایی‏ در صدد تغییر این نرخ در کوتاه مدت نیست،زیرا هر چند برای ایجاد رونق در سرمایه‏گذاری و ایجاد اشتغال،کاهش بیشتر این نرخ مفید و مؤثر است،ولی‏ خطر بروز مجدد فشارهای تورمی هم مد نظر بانک‏ مرکزی اروپایی قرار دارد.این احساس خطر باعث‏ می‏شود که بانک مرکزی اروپایی از کاهش بیشتر نرخ‏ بهره خودداری کند.در آمریکا نیز نرخ بهره مقداری بیش‏ از این حد است،در حالیکه در انگلیس نرخ بهره بیش از دو برابر نرخ بهره اروپایی است.ولی اقتصاد انگلیس‏ علی رغم فزونی نرخ‏های بهره آن کشور بر سایر کشورهای اروپایی و حتی آمریکا،با رونق و استحکام‏ پایداری مواجه است و این امر موجب غبطه سایر کشورها شده است.

مشکل دیگر،ناتوانی برخی از کشورهای اروپایی در رعایت انضباط بودجه‏ای است.این دشواری درباره‏ برخی کشورها فراتر از حد نصابی است که در مورد کسری بودجه به عنوان درصدی از تولید ناخالص‏ داخلی تعیین شده است.رعایت این حد نصاب برای‏ جلوگیری از بروز فشارهای تورمی و کاهش فشار بر نرخ یورو الزامی است،ولی برخی از کشورها از جمله‏ آلمان،فرانسه و ایتالیا طی سال‏های اخیر در رعایت آن‏ دچار مشکل شده‏اند و خواسته‏اند که اتحادیه اروپایی‏ در مورد آنان استثناء قائل شود.البته این شرط نمی‏تواند مورد موافقت سایر کشورهای عضو اتحادیه قرار گیرد.

خارج بودن انگلیس از نظام پول مشترک اروپایی و رونق اقتصادی نسبی این کشور در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی،شماری از کشورهای عضو اتحادیه‏ اروپایی را به صرافت در این موضوع انداخته که شاید علت بروز بیکاری و تورم و کاهش قدرت خرید آن‏ها همین نظام پول مشترک اروپایی یعنی یورو است.البته‏ این واکنش‏ها عکس العمل فوری و احساسی نسبت به‏ پدیده‏های منفی اقتصادی است که گاه و بیگاه در کشورها رخ می‏دهد.به همین دلیل نیز هست که از هم اکنون کارشناسان اقتصادی اروپایی و غیراروپایی‏ نسبت به این نوع عکس العمل‏های شتاب زده و احساسی،هشدار می‏دهند.

صندوق بین المللی پول در آخرین ارزیابی خود از وضع اقتصادی جهان،رشد اقتصادی کل جهان را در سال میلادی گذشته در حد 1/5 درصد برآورد کرده که‏ یکی از بالاترین نرخ‏های رشد جهان در دهه‏های اخیر است.رشد اقتصادی جهان برای سال میلادی جاری در حد 3/4 درصد پیش‏بینی شده که با وجود کاهش جزیی‏ نسبت به سال گذشته،رشد بسیار خوبی به حساب می‏آید.دو عامل‏ خطرآفرین و بحران‏زا از دیدگاه‏ صندوق بین المللی پول که ممکن‏ است رشد اقتصادی امسال و سال‏ آینده جهان را دچار وقفه کند نوسانات پیش‏بینی نشده در قیمت‏های بین المللی نفت و همچنین نرخ‏های بهره در جهان است.

صندوق بین المللی پول برای کشورهای اروپایی با پول مشترک و همچنین برای ژاپن ادامه رکود اقتصادی‏ را برای سال‏های 2005 و 2006 پیش‏بینی می‏کند که‏ علت مهم آن بالا رفتن میانگین سنی جمعیت و عدم‏ انعطاف اقتصاد آن‏هاست.

در اروپا مشکل عمده اقتصادی از نظر صندوق‏ بین المللی پول،انعطاف‏پذیری بیشتر در اقتصاد است‏ و به همین سبب ضرورت اصلاحات اقتصادی‏ بخصوص در بازار کار،بازار محصولات و بازارهای‏ مالی به شدت احساس می‏شود.

برخلاف تصور برخی از کارشناسان اروپایی، اقتصاددانان صندوق بین المللی پول نرخ بهره اروپا را در حد دو درصد کنونی مطلوب دانسته و نوسانات یورو را هم عاملی در رکود اقتصادی این منطقه قلمداد نمی‏کنند.درباره افزایش بهای نفت،بسیاری از کارشناسان معتقدند اقتصاد کشورهای مهم جهان‏ اکنون با قیمت نفت هر بشکه 50 تا 60 دلار خو گرفته و آن را در برنامه‏های اقتصادی خود گنجانیده‏اند.از این رو اقتصاد آنها کاملا با این میزان‏ قیمت نفت تطبیق یافته است و لذا عاملی در رکود اقتصادی آن‏ها نخواهد بود.

شماری از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی تصور می‏کنند که علت بروز بیکاری و تورم و کاهش‏ قدرت خرید آن‏ها نظام‏ پول مشترک اروپایی‏ یعنی یورو است.

واکنش منفی مردم فرانسه و هلند نسبت به قانون‏ اساسی پیشنهادی اتحادیه اروپایی و نگرش بدبینانه چند کشور دیگر عضو اتحادیه اروپایی تا حد زیادی بیانگر اعتراض مردم این کشورها به اوضاع اقتصادی کنونی‏ در اروپاست که کاهش مستمر قدرت خرید مردم، بیکاری گسترده و وسیع بخصوص در بین جوانان، نداشتن امنیت شغلی و بحران‏های اجتماعی از تجلیات‏ آن است.در چنین اوضاع و احوالی سیاستمداران که‏ بیشتر به دنبال راه‏حل‏های مقطعی و زود بازده تسکینی‏ هستند،تا بتوانند حمایت رأی‏دهندگان را ولو برای‏ مدت کوتاهی به چنگ آورند،گرفتار مشکل بزرگی‏ شده‏اند؛زیرا این نوع راه‏حل‏ها که در سه سال گذشته‏ بارها مورد استفاده قرار گرفته و شکست خورده دیگر کار ساز نخواهد بود.

با ظاهر شدن شکاف در مواضع کشورهای عضو و تردید و ابهام نسبت به آینده اتحادیه اروپایی،اکنون‏ سئوال مهم این است که چگونه می‏توان یکپارچگی بین‏ کشورهای عضو اتحادیه را در بحبوحه مشکلات‏ اقتصادی بار دیگر احیاء کرد؟در غیر این صورت آیا این‏ اتحادیه متشکل از 25 کشور نه چندان همگون قادر است‏ با وجود شکاف و اختلاف،همچنان بصورت یک‏ اتحادیه باقی بماند؟